

## توضیحاتی در مورد مفهوم کذب

### ۱. قوام کذب به قول و لفظ نیست

مفهوم کذب متقوم به قول و لفظ نیست؛ یعنی اگر می‌گوییم فلانی دروغ می‌گوید، لازمه اش این نیست که حتماً تلفظ به دروغ کند. بلکه اگر دروغ را بنویسد یا با اشاره دروغی را بگوید، این هم کذب است؛ مثلاً در جواب کسی که می‌پرسد: "زید کجاست؟" بدون اینکه سخنی بگوید، اشاره کند اینجاست، درحالی که اینجا نیست. این هم کذب است. همچنین است اخبار با نصب علائم: فرض کنید ورودی کوچه ای علامت ورود ممنوع بگذارند، درحالی که از طرف راهنمایی، منعی برای ورود به کوچه نشده باشد، این هم دروغ و کذب است. ( مکاسب محرمه، ج ۴۰۵، ص ۶ )

### ۲. خود خبر موصوف به صدق و کذب می‌شود، نه لوازم آن

آنچه مصداق صدق و کذب واقع می‌شود، خود خبر است، نه لازمه خبر. گاهی یک خبر، چه موافق واقع و چه مخالف واقع، لوازمی دارد. این چنین نیست که ما بگوییم اگر آن لوازم، موافق واقع بود، آن هم صدق است و اگر مخالف واقع بود، کذب است. بلکه خود خبر است که به صدق یا کذب بودن، موصوف می‌شود؛ مثلاً گاهی اوقات انسان خبر می‌دهد که امروز جمعه است. لازمه اینکه امروز جمعه باشد، این است که فردا شنبه است، پس فردا یکشنبه است، دیروز پنج شنبه بود، روز قبلش چهارشنبه بود و ... حال اگر کسی به دروغ بگوید امروز جمعه است، این شخص یک دروغ گفته است، نه بی‌نهایت دروغ. اگر بگوییم لوازم خبر هم به صدق و کذب متصف می‌شود، معنایش این است که این فرد اگر به دروغ گفت امروز جمعه است، این یک دروغ است، دروغ دیگر اینکه فردا شنبه است، دروغ دیگر این است که پس فردا یکشنبه است و تا آخر. پس لوازم خبر جزو مصادیق صدق و کذب نیست. ( مکاسب محرمه، ج ۴۰۵، ص ۸ )

### لوازم انشاءات

انشاء قابل صدق و کذب نیست؛ مثلاً وقتی می‌گوید: "برو"، این صدق و کذب ندارد. صدق و کذب مربوط به اخبار است. ولی بعضی انشاءات لوازمی دارد که اخبار است؛ مثلاً وقتی به کسی می‌گویید: "شما در فلان جا درس بگویید" معنایش این است که شما به این درس عالم هستید. پس این انشاء متضمن یک اخبار است. حال اگر این اخبار، مخالف با واقع بود، این را نمی‌شود گفت کذب است یا صدق. ( مکاسب محرمه، ج ۴۰۵، ص ۸ )

البته اگر از آن انشاء یا خبر، لازمه آن اراده شده باشد و آن اراده هم اراده جدی باشد، در صورتی که موافق با واقع نباشد، این کذب است؛ مثل اینکه در حضور جمع به کسی بگویید: "شما چرا رساله نمی‌دهید؟!" قصدتان هم این است که اخبار کنید این آقا مرجع تقلید، مجتهد یا اعلمند. اگر این قصد را از این انشاء دارید، هرچند با زبان دیگری اعلام شده است، این قابل صدق و کذب است. ( مکاسب محرمه، ج ۴۰۵، ص ۱۰ )

### ۳. به شوخی مطلب کذبی را گفتن

شوخی کذب و دروغ دو صورت دارد:  
(۱) غیر هزل (خبر خلاف واقع)

گاهی خبری خلاف واقع می دهد و مقصودش از آن خبر این است که افراد را بخنداند؛ مثلاً به کسی می گویند: "شما امروز ناهار منزل فلانی مهمان هستید" و مخاطب آنجا می رود و می بیند خبری نیست! عده ای که این صحنه را می بینند یا بعد از مراجعه آن فرد متوجه می شوند، می خندند. در این اخبار، هزلی وجود ندارد، بلکه خبر خلاف واقعی داده می شود. لکن مقصود این است که مخاطب، این خبر را جدی بگیرد و به دنبال آن برود. این مسلماً حرام است؛ چراکه گوینده خبری داده و قصد واقع هم نموده است. لکن خلاف واقع است؛ مثل بقیه دروغ ها. البته در دروغ های دیگر انگیزه های دیگری است و در این دروغ، انگیزه مزاح است. این دروغ با دروغ های دیگر هیچ تفاوتی نمی کند و حرام است. (مکاسب محرمه، ج ۴۱۸، ص ۳)

#### (۲) هزل

در نوع دوم از انواع هزل، خبر کذبی داده نمی شود، بلکه خود کذب، شوخی و هزل است؛ مثل لطیفه و متل هایی (۱) که بین مردم متداول است؛ مثلاً از زبان حیوان یا از زبان شاگرد و استاد یا پدر و پسر چیزی را نقل می کنند که خلاف واقع هم است؛ این نوع از هزل حرام نیست. (مکاسب محرمه، ج ۴۱۸، ص ۵)

حکایات و قصه ها نیز شبیه همین شوخی هاست که اینها در مقام هزل نیست؛ مثلاً رمان های طولانی، ممکن است هزار بار از قول شخصیت های داستان مطلبی را نقل کنند. این هم ملحق به هزل است. بنابراین از جهت کذب بودن حرام نیست؛ هرچند ممکن است از جهت دیگری، حرام شوند؛ مثل جایی که مفسده ای به دنبال داشته باشد. (مکاسب محرمه، ج ۴۱۸، ص ۹)

### ۴. خلف وعده

خلف وعده دو صورت دارد:

الف) در مورد وعده ای که می دهد، می داند تخلف می کند □ کذب محسوب می شود.  
ب) نمی داند تخلف می کند □ کذب محسوب نمی شود. (مکاسب محرمه، ج ۴۰۶، ص ۵)

۱. همان جُک به تعبیر فرنگی